

نکته‌های برگزیده تاریخ

از انتشارات

انجمن تاریخ

نویسنده و گردآورنده

ابراهیم صفائی

(مدیرانجمن تاریخ)

(ج)

(۴)

نکته‌های برگزیده تاریخ

از انتشارات

انجمن تاریخ

نویسنده و گردآورنده

ابراهیم صفائی

(مدیرانجمن تاریخ)

(ج)

(۴)

www.KetabFarsi.com

ابن‌بابویه

(۴)

(ج)

دادنامه شاه طهماسب

در ایران اسلامی از آغاز تا عصر مشروطه در بیش از مدت ۱۲ قرن مقررات اجتماعی و آئین دادرسی بر پایه‌های عرف و آداب و سنن دیرین ملی و محلی و احکام اسلامی و موازین فقهی استوار بوده‌است، درین میان گاهی از طرف پادشاهان و فرمانروایان مقرراتی تازه ولی زودگذر و بی ثبات بکار بسته می‌شده، اما در سه نوبت یکبار در قرن پنجم بفرمان سلطان ملک‌شاه سلجوقی و یکبار در قرن هفتم هجری بفرمان غازان خان و یکبار در قرن دهم بفرمان شاه طهماسب مقررات کلی برای آیین دادرسی و مسائل اجتماعی تنظیم گردید، در نیمه دوم قرن سیزدهم

هجری قمری (در زمان ناصرالدین شاه) نیز با تأسیس دیوان عدالت عظمی و وزارت عدلیه گامی برای نوکردن مقررات دادرسی برداشته شد ولی با بودن رژیم استبدادی و نبودن نظام پارلمانی چندان تأثیری نبخشید. دادنامهٔ ملک‌شاه و دادنامهٔ غازان خان هر یک تا مدتی قریب نیم قرن پس از خودشان بکار بسته می‌شد، اما دادنامهٔ شاه طهماسب بیش از یک قرن دوام کرد و مفاد برخی از مواد آن تا پایان عصر صفویه جاری بود.

شاه طهماسب که یکی از سه چهرهٔ درخشان دودمان صفوی است در سال بیستم سلطنت خود مقرراتی بعنوان «دستور العمل قانون سلطنت» در ۷۱ ماده تنظیم کرد که روی هم حاکی از دادگری و تفکر انسانی او است، وی آن مقررات را بصورت بخشنامه برای تمام حکام شهرستانهای ایران فرستاد و در چند شهر بزرگ بدستور او این بخشنامه را بر روی لوحهٔ سنگی کنندند و بر پایهٔ بی نصب نمودند تا همگان از مقررات قانون سلطنت یا دادنامه شاه طهماسب آگاه گردند و تا پایان سلطنت طولانی خود کارگذارانی برای نظارت در اجرای این مقررات بکارگماشته بسود. اینک متن دادنامه شاه طهماسب برای آگاهی از تاریخ اجتماعی و دانستن عرف و عادات و آداب آن زمان و آشنائی با افکار پادشاه بزرگ دودمان صفوی در اینجا نقل می‌شود و چنانکه می‌بینیم برخی از مواد دادنامهٔ شاه طهماسب هنوز هم تازگی دارد.

«حکم جهانمطاع عالم مطیع از منبع عاطفت و معدن رأفت شاهنشاه

شرف نفاذ یافت که منشیان درگاه سلاطین سجده‌گاه و کارگذاران بارگاه
خلایق امیدگاه از برادران و فرزندان عالی‌تبار و بیکلر بیگیان و ولات
و خلفا و سرداران و امرا و خوانین معظم و سایر منصب داران و وزراء
و مستوفیان و ضابطان و عاملان جزو وکل و کوتوالان (۱) قلاع و سفید-
ریشان و کلانتران و کدخدایان و راهداران و جمهور ملازمان آستان
خلافت‌نشان و منتظمان مهم اقطاع و اصقاع فرمان‌پذیر بوده بدانند که
علاوه آنچه از قوانین سلطنت کبری و خلافت عظمی معلوم دارند و طبع
معدلت اساس و سیرت پسندیده همایون‌ما را بر آن روش مفظور و مجبول
می‌دانند این دستورالعمل را که الحال از موقف جلال‌عزّ اصدار می‌یابد
در انتظام احوال عباد و بلاد پیشنه‌یاد و مدارعلیه نموده سر موئی انحراف
نورزند و در عهده شناسند .

۱- بطریق اجمال آنکه در جمیع کارها از عادات و معاملات و
عبادات رضای الهی را جو یا بوده نیازمند درگاه ایزدی باشند و خود را
و غیر خود را تا توانند بران همت گمارند که منظور نداشته خالصاً لله
شروع در آن کار نمایند .

۲- خلوت دوست نباشند که این رسم درویشان صحراگز نیست و
پیوسته عام نشین و در کثرت بودن عادت نکنند که طریق بازاریان است
و بالجمله توسط و میانه روی بکار برند و سررشته اعتدال را از دست
ندهند .

۳- بزرگ کرده‌های ایزد را از عقلا و علمای عالی‌قدر درست‌کردار
عزیز و محترم دارند .

- ۴- به بیداری صبح و شام و نیمشب و روز عادت کنند .
- ۵- در هنگامی که کار خلق خدا نباشد بمطالعه کتب ارباب صفوت و صفا مثل کتب اخلاق که طب روحانی است مشغول و بتعطیل و آسایش و راحت طلبی اصلاً خو نکنند که مانند بحال نسوان و اموات است نه عادت مردان و زندگان .
- ۶- در کارها صلب و فراخ حوصله باشند تا بمپام کثیره خطیره و تسویلات ارباب تزویر و خداع ازجا نروند که بهترین عبادات الهی در نشانه تعلق سرانجام مهم خلایق است که دوستی و دشمنی و خویشی و بیگانگی را منظور نداشته کار همه بخشودی و دل آسائی بتقدیم رسانند و انجام دهند .
- ۷- به فقیران و مسکینان و محتاجان بتخصیص گوشه نشینان و مجردان (۲) که در خروج و دخول بسته اند و زبان خواهش نمی گشایند بقدر طاقت احسان و امداد کنند .
- ۸- تقصیرات و زلات و جرائم مردم را بمیزان عدالت سنجیده پایه هریکی را بجای خود دارند و بدین میزان عدالت اساس پساداش هریکی نمایند و بدل دقیقه شناس دریابند که از این گروه کدام تقصیر پوشیدنی و گذاشتنی است و کدام گناه پرسیدنی و سزادادنی که بسا تقصیر اندک سزای جزای بسیار است و بسا تقصیر بسیار اغماض کردنی است .
- ۹- متمردان را به نصیحت و ملایمت و بدرشتی و هیبت بر تفاوت مراتب رهنمونی کنند و چون از نصیحت و تدبیر گذر به بستن و زدن و بریدن عضو (۳) افتد نسبت به تباین مدارج عمل نمایند و در کشتن دلیری

نکنند و تأمل فراوان بجای آورند که نتوان سرکشته پیوند کرد و تا
توانند مستحق کشتن را بدرگاه آسمان جـاه فرستند و یا حقیقت آنرا
معروض دارند بهرچه حکم رسد عقید شده بتقدیم رسانند و اگر در
نگاهدشت آن متمرّد فتنه یا در فرستادن او فسادى باشد در آن صورت او
را در سیاستگاه عبرت بدکاران گردانند .

۱۰- از پوست کندن و سوختن و عقوبت‌های سخت که سلاطین
جور میکردند احتراز نمایند و سزای هر يك از طبقات مردم فراخور
حالت او باشد که عالی فطرت را نگاه تند برابر کشتن است و پست‌همت
رالت (۴) کردن سودمند نه .

۱۱- هر کس را که عقل و کیاست و دیانت و اعتماد باشد رخصت
دهند که آنچه ناشایسته از ایشان ببیند که بزعم خود بد داند در خلوت
بگوید .

۱۲- اگر احیاناً گوینده غلط کرده باشد او را سرزنش نکنند که
سرزنش سد راه گفتن است و از دلیری در اظهار باز خواهد ماند .

۱۳- هر کس را که ایزدمتعال این توفیق و قوت داده باشد که خود
بخود نقص ناقصان را اظهار کند عزیز و محترم دارند که مردم در گفتن
حق بغایت عاجز و قاصرند و جمعی که بد فطرت و شیریند میل گفتن
حق ندارند و آنکه نیکو فطرت است ملاحظه مند میباشد که مبادا از
گفتن من مستمع بر نجد و من در بلیه افتم .

۱۴- نیک اندیشی که زیان خود برای نفع دیگران گزینند حکم
کبریت احمد دارد .

۱۵- حتی الامکان خوشامد دوست نباشند که بسا کار از خوشامد گویان
ناساخته و تباه می ماند و یکبارگی هم باین طبقه از حد اعتدال نگذرانند و
بد نباشند که ملازم را خوشامد گفتن ضروری است اما ملازم را نه
مشاور را .

۱۶- در داد و دهش و پرسش دادخواه خود بنفیس خود بقدر وسع
قیام نمایند .

۱۷- اسامی داوطلبان را بترتیب آمدن نوشته تا محنت انتظار
نکشند .

۱۸- هر که بدی از کسی نقل کند در سزای او شتابزدگی ننمایند
و تفحص بکنند که سخن ساز مفتری بسیار است و راستگوی نیک اندیش کم .

۱۹- هنگام غضب سررشته عقل از دست ندهند و با آهستگی و
بردباری کار کنند و چندی از آشنایان و ملازمان خود را که بفزونی خرد
و اخلاق ممتاز باشند مختار گردانند که در زمان هجوم غم و غضب که
عقلا خاموش می شوند از کلمه حق ضنت نکنند .

۲۰- عذر نیوشی و اغماض نظر از تقصیرات خوی خود کنند مادامی
که منجر بفساد نشود ، اکثر افراد انسان بی تقصیر و گناه نمی توانند بود
و گاه از تنبیه دلیر شوند و گاه بغیرت آوارگی اختیار کنند ، جمعی باشند
که بی گناه تنبیه ایشان باید کرد و بعضی باشند که هزار گناه از ایشان
باید گذرانید ، سیاست نازکترین مهمات سلطنت است با آهستگی و فهمیدگی
و فراست بتمدیم رسانند .

۲۱- همواره از کلی و جزئی احوال افراد و اوضاع متعلقه بخود

و حدود خود آگاه و خبردار باشند که سلطانی و سرداری و حکومت عبارت از پاسبانی است .

۲۲- سوگندخور نباشند که سوگند خوردن خود را بدروغ نسبت دادن است و مخاطب را بیدگمانی متهم داشتن .

۲۳- بدشنام دادن عادت نکنند که شیوه اجلاف و ارنال است.

۲۴- در افزونی زراعت و استمالت رعیت و تخم و تقاوی دادن اهتمام نمایند که سال بسال امصار و قری و قصبات افزون شده باشد و چنان آسان گیرند که زمین های قابل زراعت همه آبادان شود .

۲۵- در افزایش اجناس کامله نفیسه کوشش کنند و در دستورالعمل عامل جد و جهد تام و اهتمام تمام پیشنهاد خاطر جد گزین خود سازند و بالجمله بجمیع رعایا فرداً فرد برسند و غمخواری بکنند .

۲۶- از قول و قرار بهیچ اسم و رسم برنگردند .

۲۷- قدغن اکید کنند که سپاهی و همچنین غیر سپاهی در مساکن مردم بی رضای ایشان هرگز فرود نیاید .

۲۸- در کارها بر عقل خود اعتماد نکرده مشورت با دانائتری از خود کنند و اگر دانایتر از خود نیابند مشورت را ولو با نادان تر از خود از دست ندهند که بسیار باشد از نادانی راه حق و صواب یافته شود .

۲۹- با بسیار کس مشورت در میان نهند که عقل درست معامله دان خداداد است نه بخواندن و نه به روزگار گذراندن بدست افتد .

۳۰- هر کاری که از دست ملازمان برآید بفرزندان نفرمایند و

هر کاری که فرزندان از عهده انجامش برآیند خود متکفل آن نشوند که

آنچه از دیگران فوت شود خود تدارك توانند کرد و آنچه از خود فوت شود تلافی آن مشکل باشد .

۳۱- خیراندیشان هر طبقه را دوستدار باشند .

۳۲- خورش از اندازه نگردانند تا از پایه حیوانات فراتر شده و بر تبه انسانی اختصاص یابند .

۳۳- لجوج و مفسد و شریر و شدیدالعداوة نبوده سینه راجایگاه کینه نسازند و اگر گرانی و کدورت در دل از کسی پیدا شود آن را زود زائل ساخته و خنده و هزلگوئی کمتر کنند .

۳۴- بآرایش بدن و نفاست جامه پردازند .

۳۵- هر کس از پایه استطاعت خود چیزی کمتر اختیار کند .

۳۶- در ترویج دانش و هنر و کسب کمال و معرفت اهتمام نمایند که صاحبان استعداد از طبقات مردم ضایع نشوند .

۳۷- در تربیت و رعایت خاندان های قدیم همت گمارند .

۳۸- از سامان سپاهی غافل نباشند .

۳۹- خرج کمتر از دخل کنند که هر که را خرج از دخل زیاده باشد .

احمق است و هر که را دخل با خرج برابر باشد چنانکه احمق نیست عاقل هم نیست .

۴۰- در عهد تخلف نوزند .

۴۱- درست قول باشند خصوصاً با متصدیان مشاغل پادشاهی .

۴۲- بدذاتان و شریران را بخود راه ندهند اگر چه این جماعت

از برای بدکاران دیگر خوبند اما از ایشان مطمئن نمی توان بود .

۴۳- سررشته حساب بدان را از دست ندهند و این گروه را همیشه در دل خود متهم دارند که مبادا در لباس نیکان درآمده و قصد نیکان کنند.
۴۴- از نزدیکان و خدمتکاران با خبر باشند که بوسیله قرب ستم نکنند.

۴۵- از چرب زبانان نادرست که در لباس دوستی کار دشمنی میکنند حذر ناک باشند زیرا که فسادها از این رهگذر پدید آید و بزرگان را از فزونی مشغله فرصت کم و این گروه بد کردار فراوانند.

۴۶- پیوسته از جاسوسان خبردار باشند.

۴۷- بسخن يك جاسوس، خصوص در مقام غرض، اعتماد و اعتبار نکنند که راستی و بی‌طمعی بسیار کم یاب است.

۴۸- در هر امری چند جاسوس تعیین کنند چنانکه از یکدیگر خبردار نباشند و تقریرات هر يك را جدا بشنوند و پی بمقصود برند.

۴۹- جاسوسان باید غیر معروف باشند.

۵۰- سپاهیان را پیوسته ورزش فرمایند.

۵۱- بشکار و سیر مشغول نباشند مگر جهة ورزش و برای نشاط خاطر گاهی بآن پردازند.

۵۲- احدی در کل ممالک محروسه جنس غلات را از رعایا بطمع گرانی نگیرد و انبار نسازد که اگر ظاهر شود مورد سخت سلطانی است.

۵۳- در امنیت طرق و شوارع حسب الواقع کوشیده قدم بقدم از

اطراف ممالک محروسه آگاه باشند که نیک و بد آن بر ذمت حکام و کدخدا یان است.

۵۴- پی جویی ازدزدان و راهزنان کنند چه در شوارع و چه در معموره‌ها، از کیسه برو شب دزد و ربایند. اثر نگذاشته بر اندازند.

۵۵- هر چه گم شود یا بتاراج رود یا دزدان بر بایند پیدا کنند والا خود از عهده بر آیند و اموال غایب و متوفی دارای هردین و مذهب باشد تحقیق کنند اگر وارث داشته باشد بدوباز گذارند و احدی پیرامون آن نگردد و اگر وارث نباشد باطلاع معاریف آن محل به امین معتمد بسیارند و وثیقه بران درست کنند و حقیقت را بدرگاه معلی عرضه بدارند، هر گاه صاحب حق پیدا شود بدو سپارند و در این باب قدغن اکید لازم دانسته نیک ذاتی و خیر اندیشی بکار برند که مبادا چنانکه در مرزوبوم روم (۵) شایع است رفته رفته در این مملکت بظهور آید و سیر چشمی از میان بر خیزد.

۵۶- در ارزانی نرخ‌ها کوشش کنند و نگذارند که مالداران بی مصلحت دولت قاهره بطمع آنکه کم‌کم گران فروشند بسیار خریداری کنند و ذخیره نمایند.

۵۷- رسم تجارت را از غلات ضروریه بر اندازند.

۵۸- کمال کوشش بعمل آورند که اثری از شراب پیدا نباشد. (۶)

۵۹- خرنده و فروشنده و کشنده شراب را چنان تنبیه و سیاست

کنند که موجب عبرت دیگران گردد.

۶۰- در غیر نقاره‌خانه‌های همایون که در ممالک محروسه است

دیگر در جائی سرنا و ساز ننوازند و اگر معلوم شود که کسی سازی ساخته یا نواخته هر گونه سازی که باشد سازنده و نوازنده آن مجرم است.

۶۱- در لوازم جشن نوروزی و عیدین (۷) و عید مولود و سایر اعیاد

متمعارفه نهایت اهتمام بعمل آورند .

۶۲ - در روزهای عید در شهرها نقاره نوازند .

۶۳ - در هیچوقت زن بی ضرورت بر اسب سوار نشود و اگر ضرورت اقتضا کند تا ممکن باشد بر زین سوار نشود و لجام خود در دست نگیرد .
۶۴ - امر دادن و زنان هر چند زن عجزه باشد در کنار معرکه های قلندران و بازیگران و امثال آن مقام نکنند و اگر چه اصناف این گروه را از معرکه گیری منع فرموده ایم اما اطفال زیاده بردوازده سال را با خود در معرکه نیاورند .

۶۵ - در هر شهر و قریه از ممالک محروسه تفحص و تجسس کنند هر گاه طفلی یتیم مانده باشد و کسی از اقربا نداشته باشد که پرستاری و پرورش او کنند اگر رضیع و خردسال است دایه معتمدی تعیین کرده به او سپارند که پرستاری و تربیت کنند و پس از رسیدن بسن رشد و تمیز برای ذکور معلمی صالح و برای اناث زن بیوه عقیقه تعیین گردد و آن اطفال یتیم را بدیشان سپارند که بتعلیم و تربیت آنان پردازند و پسری که آموختن پیشه و صنعتی مناسب و موروثی او باشد روز بکسب رفته و شب در نزد معلم آید و چون بسن بلوغ برسند بر وفق شریعت غراً ذکور را با اناث نکاح نمایند .

۶۶ - تعیین وظیفه (۸) معلم و مربی بقدر حال و اخراجات ضروریه

اطفال نموده ماه بمه عمال دیوانی هر شهر و محال از عین المال دیوان بلا تأخیر باطلاع حکام شرع و عرف همان شهر و محال برسانند .

۶۷ - در نوروز هر سال برای اطفال و معلمین فرداً فرداً دو دست

لباس مناسب حال سرتا پا و در اول میزان لباس زمستانی یکدست تدارك نمایند .

۶۸- در عروسی آنچه لایق حال عروس و داماد است فراهم کنند
فی الجمله تدارك ما یحتاج زندگانی همه از سرکار دیوان اعلی بسامان
کرده مجری دانند ، اگر ایتم صد باشند اگر یک بهمین دستور عاملان
و کلانتران هر شهر و محال مقرری را رسانیده سررشته آنرا سال بسال
نام بنام بنظر اقدس رسانند .

۶۹- دستور العمل دارالقضا و آنچه متعلق بر آن است و دستور العمل
معاملات و ضوابط متعلق بآن را در ضمن دو طغری فرمان همایون در سنه
ماضیه عز صدور یافته همان دستور را برقرار دارند .

۷۰- بره و بزغاله مادام که بشش ماه هلالی نرسیده اند در هیچ
مکان نه در خانه ها نه در صحراها ذبح نکنند و احدی مرض و بیم مرگ
آنرا عذر ذبح نسازد که معاقب است ، اگر بمیرد گو مرده باش، ذبح
نکنند .

۷۱- صاحبان اموال و کرایه کشان بی ضرورت اتفایه بر شتر زیاده
از یکصد من تبریزی و برآستر زیاده از هشتاد من و برالاغ زیاده از
پنجاه من بار نکنند و در هر باب آنچه بقانون انصاف و اعتدال نزدیک تر
باشند اختیار کنند . مستوفیان عظام باید این فرمان واجب الاذعان را ثبت
دفاتر خلود نموده بیکلر بیکیان و حکام و خلفای عالیمقدار سواد آنرا
به قری و نواحی متعلقه بخود رسانیده مضمون مبارک آنرا بشنوانند .

- ۱- قلعه بان ۲- مقصود وارستگان است ۳- مثله کردن یا بریدن عضوی از اعضاء بدن بزه‌گران (بینی و گوش و دست) از کیفرهایی بوده که از عصرهای باستانی ایران تا قبل از مشروطه بکار بسته می‌شده ولی بریدن سرانگشتان و دست دزدان بر طبق احکام اسلامی و در دوران اسلامی بیشتر رواج داشته است .
- ۴- لت = قطعه کردن
- ۵- روم = کشور عثمانی .
- ۶- در دوران صفویه شراب تنها نوشابه الکلی بوده است .
- ۷- عیدین = عید اضحی و عید فطر .
- ۸- حقوق ماهیانه .
- ۹- با استفاده از چند تاریخ مربوط به دوران صفوی و گزارش ایران تألیف هدایت .

نامه حکیم الملک

وزیر دربار مظفرالدین شاه



نامه‌یی است از میرزا محمود خان حکیم الملک وزیر دربار مظفرالدین شاه در ۲۰ صفر ۱۳۱۶ ق که میرزا علیخان امین الدوله از صدارت عزل گردیده و اتابک برای تصدی صدارت از قم به طهران فراخوانده شده به اتابک نوشته است .

قربان و تصدق وجود مبارکت شوم - همینقدر عرض میکنم شکر خدا که آنچه طلب کردم از خدا - بر منتهای مطلب خود کامران شدم ، اینقدر مجالی باقی نمانده و وقت تنگ است جناب حاجی خان هم‌عازمند که عوض بنده دست و پای مبارکتان را ببوسند ، خدا شاهد است که دیگر طاقتمان و صبرمان با آخر رسیده یعنی از قول دوستان و بندگان حضرت مستطاب اشرف اسعد روحی فداء عرض میکنم .

خلاصه عجزاً چیزی که لازم است عرض شود این است که انشاءالله بسلامتی و میمنت طوری بفرمائید که شب بیست و سوم (۱) دوسه ساعت از شب گذشته وارد منزل جناب مستطاب اجل اکرم آقای وزیر داخله (۲)

دام اجلاله العالی که در صاحبقرانیه و باغ آقاعلی است وارد بشوید که صبح بیست و سوم (۳) انشاءالله شرف اندوز خاکپای جواهر آسای اقدس همایونی اروحنافداه بشوید، ورود بشهر با این ازدحامی (۴) که حالا مردم خواهند کرد به بعضی ملاحظات صحیح نیست، حتی انعقاد مجلس روضه خوانی را در شهر، بعد از ورود انشاءالله.

الآن که صبح اربعین است در خدمت جناب مستطاب اجل اکرم آقای وزیر داخله بعرض این عریضه جسارت شد و جناب مستطاب آقای معاون الدوله هم تشریف دارند و به اشتیاق زیارت آن وجود مبارک انتظار دارند، در اول ورود هم معلوم است که از همه یعنی مخصوصاً از عین - الدوله و امیرخان سردار هرچند هم خیلی سخت با نظام السلطنه (۶) و غیره و غیره اظهار (۷) رضامندی خواهید فرمود تا خداوند آنچه خیر و صلاح است پیش بیاورد. در اول شرفیابی آقازادگان بنده نیز باید در معیت حضرت مستطاب اجل اشرف روحی فداء باشند.

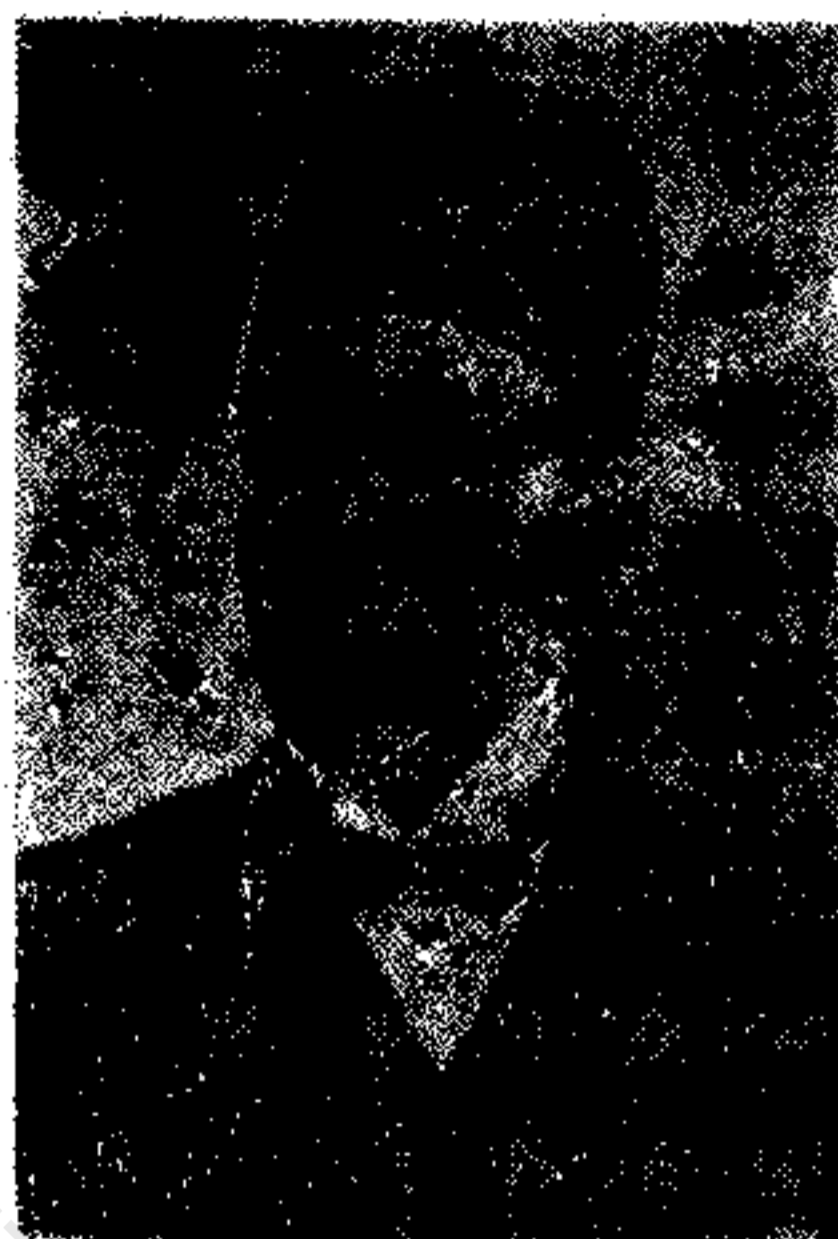
باقی انشاءالله در هنگام زیارت. البته تأخیر در ورود و بین راه نفرمائید. زیاد قربان و تصدقت. محمود،

-
- ۱- و ۳ در متن بیست و سیم
 - ۲- امین الملک برادر اتابک
 - ۴- در متن ازدهام
 - ۵- محمد ابراهیم خان غفاری
 - ۶- حسینقلیخان نظام السلطنه (پنجمین رئیس الوزراء دوران مشروطه از ذی قعدة ۱۳۲۵ تا ربیع الثانی ۱۳۲۶ ق) .
 - ۷- يك كلمه ناخوانا

Handwritten text in Urdu script, likely a letter or document. The text is arranged in several lines, with some lines being longer than others. The handwriting is cursive and appears to be from the late 19th or early 20th century. The text is written on a light-colored background with a dark border. The text is written in Urdu script and is arranged in several lines, with some lines being longer than others. The handwriting is cursive and appears to be from the late 19th or early 20th century. The text is written on a light-colored background with a dark border.

متن نامہ خط میرزا محمود خان حکیم الملک

از اسناد مشروطه



گزارشی از میرزا محمد
خان وکیل الدوله وزیر تحریرات
مظفرالدین شاه .

فردای روز ملاقات مشیر الملک (۱) با شارژدافر در سفارت انگلیس،
آقای نایب السلطنه (۲) وزیر (۳) با اجزائی از قبیل ناصر الملک (۴) و غیره
بشهر آمده و در دربار مجلس کرده جمعی از تجار را آقای نایب السلطنه
خواسته گفتگو می کند و همان دستخط مبارک برقراری مجلس را عنوان
می کند و مشروط کرده است که حکم مجلس را بتوسط صدراعظم بعرض
برسانند در صورتیکه مقرون بصواب باشد بامضای همایونی نیز خواهد
رسید والا در ثانی بآن مسئله مراجعه خواهد شد . مردم این شرط را
قبول نکرده و گفته اند آنچه را که در مجلس حکم شد و نوشته شد باید
بندگان همایونی نیرامضا فرمایند بدون شرط و قید و آقای نایب السلطنه
و وزیر هم جواب داده اند که ما مراتب را بعرض میرسانیم و نتیجتاً موکول
بمجلس دیگر قرار میدهند و حالا قال قال معروف شد که بندگان همایونی

از این حرف حضرات خیلی متغیر شده و همچنین از اینکه حضرات شرط کرده‌اند که این دستخط را باید سفارت امضا کند و فرموده‌اند که این مسئله از امری است محال و تا بمیرم همچو مطلبی را قبول نخواهم کرد. (۵) تا در ثانی چه بروز نماید و چه اقتضا کند .

الآن صورت دستخط مبارك را که اعلان و طبع و نشر کرده‌اند زیارت نمود و نسخه آن در لف است ، ژارژدافر گفته است : شماها تا چه مدت می‌توانید در سفارت بمانید (؟) . گفته‌اند تا شش ماه . باز ژارژدافر اعاده مطلب کرده گفته است : دیگر تا چه مدت (؟) جواب داده‌اند تا یکسال . و آنوقت یکساله خودشان را نیز تهیه و حاضر نموده‌اند و اجرت شاگرد نجار و غیره را که مئونه ندارند و بی چیز هستند حقوق آنها را هم دستی میدهند .

ژارژدافر (۶) بآن تجار معتبر واضح کرده است که اجازه دارم تا يك كرور تومان بدون تنزیل بشما بدهم که بکاسب و اصناف‌ها که در اینجا پناهنده هستند و آنوقت و مئونه درستی ندارند در میان آنها هر کس را بفرخور کسب و اعتبار آنها قسمت نمایند و بعد از آنکه کارشان اصلاح شد عوض آن را بمرور بدهند .

امروز با هزار زحمت یک نفر دلاک پیدا کرده و در موقع اصلاح از او پرسیدم که شماها در سفارت چند نفر هستید (؟) گفت ما از هزار نفر هم متجاوزیم ولی در سفارت همیشه تا سیصد نفر .

پرسیدم : شنیدم که در سفارت بهمه پول میدهند ، گفت بلی بهمه کس و هر کس خواستند دادند و میدهند و بی تنزیل پول میدهند . گفتم

شماها چطور (؟) گفت : ماها لازم نداشتیم ونگرفتیم و در آنجامعقولیت
بیکار شرط است .

معلوم می شود مخارج اوائل در سفارت تا پانصد تومان روزی بوده
است و حالا از هزار تومان هم گذشته و اینهمه اخراجات در جزو با سفارت
بوده است قطعاً (۷).

www.KetabFarsi.com

-
- ۱- میرزا حسن خان (بنداً مشیرالدوله) ۲- کامران میرزا
 - ۳- وزیر = میرزا نصرالله خان مشیرالدوله رئیس الوزراء آغاز مشروطه.
 - ۴- ابوالقاسم خان قراگزلو.
 - ۵- این نکته نشان میدهد که مظفرالدین شاه با همه ضعف و ناتوانی حتی
در ایامی که بحال احتضار نزدیک بوده غرور ملی خود را بخوبی حفظ کرده
است .
 - ۶- گراندف
 - ۷- از کتاب اسناد مشروطه - تألیف ابراهیم صفائی .

او ذار بزرگه تشریف با شاور در سفارت کهنس
 اما از آنکه بنام وزیر، اغراض در قدر بزرگان و غیره بهتر است و در دربار کهنس
 خودت کنگو کند و حال دیگر که بفرستد را احوال فرزند و شرط کهنس است
 که حکم مایل را بتواند صلح بفرستد در صورتیکه موقوف بعد از بیست و چهار روز
 بیست و چهار روز و الا در آن حال مشکلی می ماند مردم این شرط را قبول نکنند
 و گفته اند اگر در این حکم بیست و چهار روز در صورتیکه بیست و چهار روز باشد و بعد
 و اما اگر بفرستد همان جواب است اما اگر بیست و چهار روز در صورتیکه بیست و چهار روز
 مایل دیگر فرستد و اما در آن حال معروف است که کار کاروان این است در آن
 همزاد است علی بن سنان و در این حکم همزاد است که از آن که این حکم را
 سفارت بیست و چهار روز است که این حکم را در آن سفارت است و بیست و چهار روز
 مقرر است و اما در آن حکم بیست و چهار روز است و بیست و چهار روز است
 اگر در سفارت دیگر را که مایل است قطع و شرک است این را در آن سفارت است
 از رد فرستد بیست و چهار روز است و بیست و چهار روز است و بیست و چهار روز
 از رد فرستد بیست و چهار روز است و بیست و چهار روز است و بیست و چهار روز
 و در آن حکم بیست و چهار روز است و بیست و چهار روز است و بیست و چهار روز
 که ثواب بیست و چهار روز است و بیست و چهار روز است و بیست و چهار روز
 از رد فرستد بیست و چهار روز است و بیست و چهار روز است و بیست و چهار روز
 بیست و چهار روز است و بیست و چهار روز است و بیست و چهار روز است و بیست و چهار روز
 در حال آنکه بیست و چهار روز است و بیست و چهار روز است و بیست و چهار روز
 از ملاحظه عوفی از این روز بیست و چهار روز است و بیست و چهار روز است
 و در بیست و چهار روز بیست و چهار روز است و بیست و چهار روز است و بیست و چهار روز
 بیست و چهار روز است و بیست و چهار روز است و بیست و چهار روز است و بیست و چهار روز
 بیست و چهار روز است و بیست و چهار روز است و بیست و چهار روز است و بیست و چهار روز
 بیست و چهار روز است و بیست و چهار روز است و بیست و چهار روز است و بیست و چهار روز
 بیست و چهار روز است و بیست و چهار روز است و بیست و چهار روز است و بیست و چهار روز
 بیست و چهار روز است و بیست و چهار روز است و بیست و چهار روز است و بیست و چهار روز
 بیست و چهار روز است و بیست و چهار روز است و بیست و چهار روز است و بیست و چهار روز
 بیست و چهار روز است و بیست و چهار روز است و بیست و چهار روز است و بیست و چهار روز

گزارش وکیل الدوله

مظفر الدین شاه و پروفیسور براون

نامہ ہی از ادوارد براون خاورشناس معروف انگلیسی بدست آمد کہ دلالت بر این دارد کہ در سفر دوم مظفر الدین شاه بہ اروپا او شائق ملاقات مظفر الدین شاه بودہ و متوسل بہ علاء السلطنہ وزیر مختار ایران شدہ و با کوشش علاء السلطنہ در یک مجلس مهمانی رسمی موفق بملاقات با مظفر الدین شاه گردیدہ است ، اینک متن نامہ ادوارد براون با خط و امضای خودش .

۱۸ - اگست ۱۹۰۲ - بعرض حضور مراحم ظہور بندگان عالی حضرت مستطاب امجد ارفع والا میرساند کہ امشب فرصت نکردم کمابینبغی اظهار مراتب امتنان و شکر خود را عرض بکنم ، معلوم آن حضرت است کہ چقدر مشتاق بودم بخاک بوس اعلیحضرت شاہنشاهی مشرف گردم و هیچ گمان نکردم کہ باین زودی این نعمت عظمی حاصل گردد و یقین دارم کہ اینہم یکی از نتایج مرحمت و شفقت آن حضرت است نسبت باین دعاگوی عاجز بی مقدار والا چہ طور مدعو همچنین مجلسی بشوم ، پس بر خود لازم شمردم کہ قبل از خفتن باین چند کلمہ اظهار تشکر و امتنان خود را از جمیع مراحم بی پایان آن حضرت بنمایم تا دعاگوی را از حق ناشناسان و ناشکوران نشمارید .

چون چاپار الآن میرود و خیلی دیر است بیش از این زحمت نمیدہم ، باقی السلام و ایام عزت و جلال مستدام و بکام باد .

دعاگوی حقیقی - ادوارد براون (۱)

۱- مظفرالدین شاه از ۱۷ تا ۲۴ آگست ۱۹۰۲ در لندن بوده و در کاخ مالبرو منزل داشته و در شب ۱۸ آگست در يك مهمانی که از طرف پرنس ویلز در کاخ بوکینگهام ترتیب یافته شرکت کرده است ، از تاریخ نامه ادوارد براون چنین بر می آید که او در این مهمانی بحضور مظفرالدین شاه رسیده است ، براون در مقدمه کتاب انقلاب ایران از این مهمانی یاد کرده ولی از شرکت خود در مهمانی و باریابی بحضور مظفرالدین شاه سخنی نگفته است .

ROYAL SOCIETIES CLUB,
ST. JAMES'S STREET,
S.W.

محبتیں محبوبی بنیں، پس ہر خود لازم سمجھیں
کہ قبل از خفتن باین چند کلمہ اظہار
تشکر و امتنان خود از جمیع مرہم نبی،
پایان آن حضرت بنام تا دعا کور از
حق ناشناسان و ناشکورانہ بنما رند،
جوئے جاہل آلام میرور و خلی ویرت
میش ازین زلفت غیہم، باقی السلام
ایام عزت و جلالت مستدام و کلام باد
دعا کور حقیقی
ادوارد بروک

نامہ پروفیسور ادوارد براون

بعرض حضور مرہم ظہور بندگان عالی حضرت
مستطاب المحجد ازواج والا میرساند کہ انشب
فرصت تکلم کجا بینی اظہار مراتب امتنان
و تشکر خود عرض بکم معلوم آن حضرت
است کہ جقدر مشتاق بودم بجا کہ بوسی اعلی حضرت
ش ہفتا ہی مشرف کردم و ہیج کجا تکلم کہ
باین زور کراہت عظمی حاصل کرد و
یقین دارم کہ این ہم بکن از نتایج مرحمت
و شفقت آن حضرت است نسبت بایہ
دعا کور عاجز بی مقدار والا ہم بطور مدعو

قانون معادن

اکتشاف و بهره برداری از معادن تا پیش از سال ۱۳۳۶ بر اساس مقررات قانون مدنی و قانون معدن مصوب بهمن ۱۳۱۷ بود و آن مقررات با توجه به پیشرفتهای فنی و علمی و گسترش کار اکتشاف و بهره برداری معادن چندان بنیاد درستی نداشت و وافی برای انجام مقصود نبود.



مهندس شریف امامی

به همین لحاظ بسیاری از کارهای اکتشاف و بهره برداری در همان مراحل نخستین ناتمام می ماند و کسیکه پروانه اکتشاف و بهره برداری داشت یا مالک محل معدن بود، بجز آنکه کاری انجام نمیداد مدعی دولت و مانع از بهره برداری دیگران میگردد و بهره برداریهای ثمر بخش هم گاه بمناسبت اندک بودن سرمایه و بی پشتوانه بودن بهره بردار بی نتیجه می شد.

در سال ۱۳۳۶ مهندس جعفر شریف امامی وزیر صنایع و معادن (در کابینه دکتر اقبال) با توجه باینکه کشور ما از اقتصاد کشاورزی بسوی اقتصاد صنعتی گام بر میداشت برای استقرار اصول و ضوابط صحیحی در کار اکتشاف و بهره برداری از معادن کشور قانون معادن را

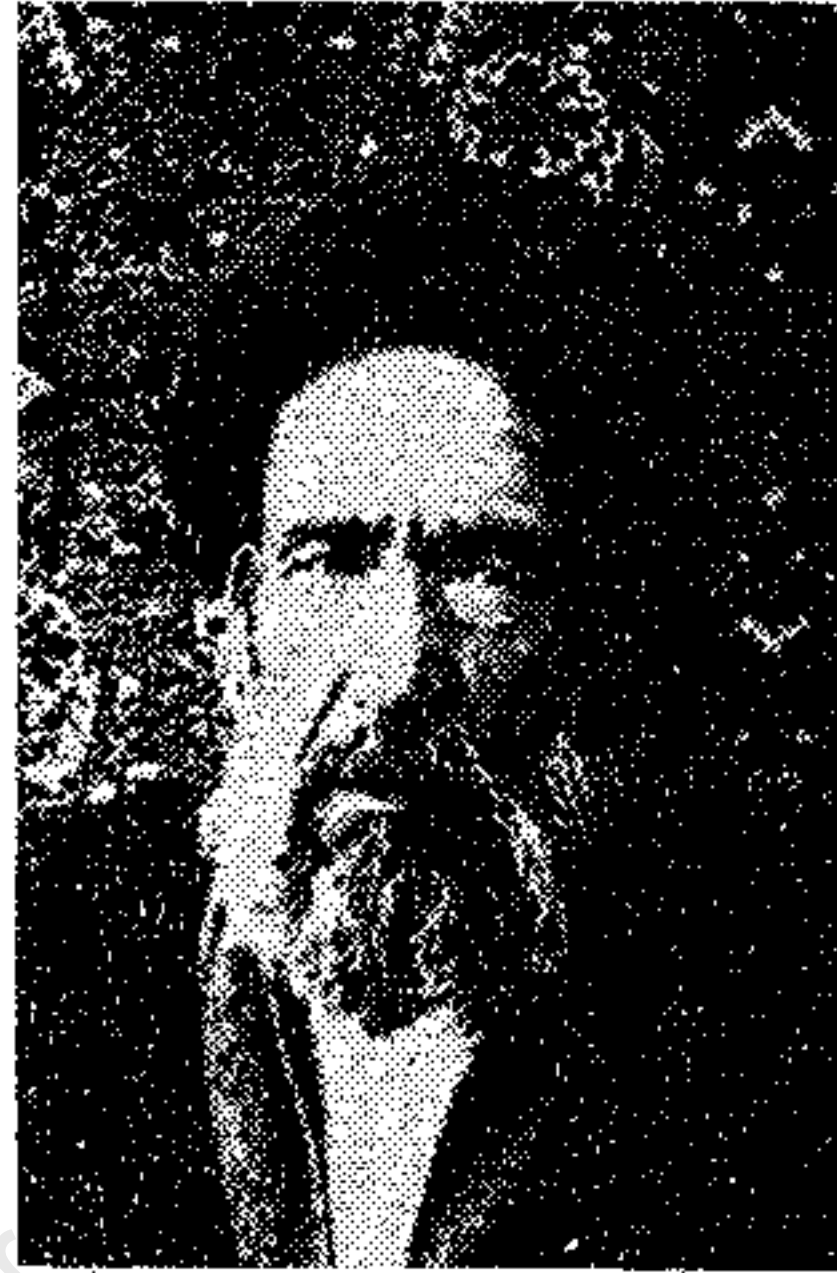
که با کسب نظر کارشناسان آزموده و با رعایت دقیق جوانب کار در ۲۸ ماده تهیه شده بود ، پس از بحث و بررسی بسیار از تصویب مجلس سنا و مجلس شورای ملی گذرانید .

این قانون از لحاظ پیشرفت سیاست صنعتی کشور تأثیر بسزایی نمود و بجز آنکه کوشش های فردی را تشویق کرد و آسانگیریهایی برای کسانی که دنبال کارهای تولیدی و کشف و بهره برداری معادن میرفتند در نظر گرفت فراورده های معدنی را با يك طبقه بندی صحیح تعریف و تفکیک نمود و تکلیف مالکیت و اکتشاف و حق کاشف و چگونگی شرایط صدور پروانه و بهره برداری و وظایف بهره بردار و حمایت از بهره بردار و حدود اختیارات و نظارت وزارت صنایع و معادن را بر اساس روش های عادلانه و سودمند و عملی تعیین کرد و بموجب همان قانون شورای عالی معادن زیر نظر وزیر صنایع و معادن با شرکت مدیر کل فنی معادن و يك مستشار دیوان کشور و يك استاد دانشگاه و يك کارشناس حقوقی و دو بهره بردار تشکیل گردید و در وزارت صنایع و معادن سازمانهایی برای بررسی های فنی و راهنمایی و کمک به اکتشاف و بهره برداری از معادن پدید آمد ، از آن جمله سازمان نقشه برداری و سازمان زمین شناسی کشور بود که بمنظور تمرکز و تهیه برنامه های مفید و درست و نقشه برداری و تعیین ذخایر معدنی و جستجوهای فنی بصورتی صحیح پایه گذاری شد و لائحه آن دو سازمان نیز بوسیله مهندس شریف امامی تهیه گردید و با کوشش او بتصویب دو مجلس رسید .

برنامه اجرای قانون معادن یا گرایش بسوی اقتصاد صنعتی با نقشه‌یی گسترده از محل کمک‌های خارجی و با شرکت سرمایه گذاران ایرانی و غیر ایرانی بر اساس مواد همان قانون تأمین و از طرف مهندس شریف‌امامی وزیر صنایع و معادن از سال ۱۳۳۷ با دقت بکار بسته شد و میتوان گفت نخستین پایه بهره برداری درست از معادن که اکنون در پرتو انقلاب صنعتی ایران بمرحله‌یی عظیم و شکوفان رسیده بر اساس همان قانون استوار گردید .

شریف‌امامی با آنکه سالها است بخدمات سیاسی و پارلمانی و ریاست مجلس سنا اشتغال دارد، هنوز هم در کار صنایع و معادن و اقتصاد صنعتی از صاحب نظران برجسته و کارآزموده بشمار می‌آید و صاحبان صنایع پیوسته از نظریات و تجربیات او بهره مند می‌شوند .

سران حکومت موقتی



سید حسن مدرس بنا بر شرح حالی که بقلم خودش در شماره هشتم آبان ۱۳۰۶ روزنامه اطلاعات چاپ شده فرزند سید اسمعیل (فرزند میرعبدالباقی) متولد بسال ۱۲۸۷ ق در روستای سرایه کجوی اردستان و پروزا و بدودمان طباطبای میرسد و اصلش از بخش زواره است.

مدرس تا ۱۶ سالگی در شهرضا نزد میرعبدالباقی که مردی وارسته و روحانی بود تحصیل دانش کرد و در ۱۳۰۳ ق (۱۲۶۵ ش) برای ادامه تحصیل روانه اصفهان شد و با استعداد و دل‌بستگی فراوان در تحصیل فقه و اصول و حکمت اسلامی کوشید، در رویداد مخالفت روحانیان با قرارداد در اصفهان او نیز در صف طلاب جایی داشت و در مخالفت با قرارداد سهمی، در ۱۳۱۰ ق (۱۲۷۱ ش) برای ادامه تحصیلات رهسپار عتبات شد و در سامره خدمت میرزای شیرازی رسید و در نجف سکنی اختیار کرد و از مجلس درس مرحوم سید محمد کاظم یزدی و آخوند خراسانی بهره برد و پس از هشت سال بمقام اجتهاد رسید و به اصفهان بازگشت و در مدرسه جده کوچک بتدریس فقه و اصول پرداخت. در نهضت مشروطه که جامعه روحانی اصفهان بر رهبری حاجی آقا نورالله سهمی مهم در آن داشت،

مدرس بمشروطه خواهی گرایش جست و با مشروطه خواهان یاری کرد و دلیری و پیکارگری و ایمان خود را آشکار ساخت ازینرو در دوره دوم مجلس شورای ملی بعنوان یکی از چهار مجتهد طراز اول که مطابق قانون اساسی میبایست بر مجلس و وضع قوانین نظارت داشته باشند روانه طهران گردید و شایستگی خود را در انجام وظایف ملی و دینی و پارلمانی بخوبی نشان داد و شهرت و محبوبیتی بسیار بدست آورد، بهمین مناسبت در دوره سوم از طرف مردم پایتخت بوکالت برگزیده شد ولی رویداد جنگ اول جهانی و راهجویی های همه جانبه روس و انگلیس در کار ایران و امید ایرانیان به پیروزی آلمان، وطنخواهان ایران را به يك قیام ملی برانگیخت، مستوفی الممالک رئیس الوزراء ملی در اول محرم ۱۳۳۴ ق با آلمان ها يك قرارداد سری نظامی بست (۱) و تصمیم به تغییر پایتخت که در معرض تهدید قوای نظامی روس بود گرفت. آزادینخواهان و بسیاری از نمایندگان دوره سوم طهران را ترك گفتند و کمیته دفاع ملی در قم تشکیل شد، مدرس نیز از سران مؤثر این قیام بود و سرانجام رهسپار کرمانشاه شد و بحکومت ملی رضاقلیخان نظام السلطنه پیوست. (۲)

مدرس در تمام دوران زندگی سیاسی خود تنها به نظام السلطنه از روی خلوص دست همکاری داد و از این نیک اندیشی و ارادتی که مدرس به نظام السلطنه ابراز داشت میتوانیم نسبت به شخصیت ملی و اوج ایمان و وطنخواهی و پاکی نظام السلطنه پی ببریم.

مدرس در دومین دولت نظام السلطنه که در رمضان ۱۳۳۴ ق در کرمانشاه تشکیل گردید بوزارت عدلیه برگزیده شد و یکی از شخصیت های

قوی و چهره‌های مؤثر آندولت بحساب می‌آمد .

پس از پایان کار حکومت موقتی مدرس همراه نظام‌السلطنه به سرزمین عثمانی مهاجرت کرد و انواع سختی و تنگدستی و خطر را تحمل نمود و پس از چندی که با کمال عسرت در حلب بسر می‌برد رهسپار استانبول گردید و سرانجام در ۱۳۳۶ ق به طهران بازگشت و از طرف مردم طهران بنمایندگی دوره چهارم برگزیده شد و نقش سیاسی مهمی در مجلس چهارم بعهدہ گرفت و در همان حال عضو هیئت رئیسهٔ مجلس بود.

او با زندگی طلبگی روزگار بسر می‌برد ولی نفوذ سیاسی و تأثیر کلام او چندان بود که وزیران در روی گلیم اطاق او دوزانوی ادب بر زمین می‌زدند و اطاق طلبگی او یکی از مراکز حل و فصل امور سیاسی طهران بود . مدرس در مدرسه سپهسالار نیز تدریس میکرد و سرپرستی حوزهٔ علمی مدرسه با او بود. در مجلس پنجم و ششم رهبری اقلیت چند نفری مخالف دولت را بعهدہ گرفت و مبارزات سیاسی او معروف است ، او در سال ۱۳۰۳ شمسی در مخالفت با استقرار رژیم جمهوری نیز نقش مؤثری داشت.

یکبار در اصفهان بسال ۱۳۲۵ ق و یکبار در طهران بسال ۱۳۰۶ ش بتحریک مخالفانش مورد سوء قصد واقع شد و چندین گلوله به او اصابت کرد ولی چون قلبی نیرومند و روحی توانا داشت گلوله باران افراد ناشناس او را از پای در نیاورد و حالش به بهبودی گرائید .

مدرس در سال ۱۳۰۷ بمناسبت کوشش‌های سیاسی پنهانی که داشت از طرف نظمیه به خواف تبعید گردید و تا سال ۱۳۱۶ در آنجا بود ، در ۱۳۱۶ او را از خواف به کاشمر روانه کردند و در ماه آذر همانسال زندگی وی در آنجا پایان رسید و اینک آرامگاه او در کاشمر زیارتگاه

مردم است .

مدرس از چهره‌های جالب و مؤثر روحانی و سیاسی و پارلمانی دوران خود بود ، سرمایه ایمان و پرهیزگاری و قناعت وی را به اوج نفوذ و قدرت معنوی رسانید ، با يك سوم حقوق نمایندگی مجلس بزندگی طلبگی خود ادامه میداد و دوسوم حقوق خویش را به طلاب تهیدست مدرسه سپهسالار می‌بخشید ، او شهامت و صراحتی بسزا و روحیه‌ئی دلیر و عقیده‌ئی انعطاف‌ناپذیر داشت ، تنها نقطه ضعفش نوعی قدرت‌طلبی بود ، زیرا می‌خواست در سیاست کشور کلامش نافذ باشد و عقیده سیاسی او را همه بپذیرند و در این راه بچند توطئه سیاسی دست زد .

در ۱۳۲۷ خیابان نظامیه (خیابان شمالی جنوبی جلومجلس) از طرف شهرداری پایتخت بنام او نامگذاری شد و کلوبی هم بنام « کلوب مدرس » در خیابان شاه‌آباد دائر شده بود .

در صفحه بعد گواهینامه یکی از طلاب مدرسه سپهسالار را که از طرف استادان آن مدرسه (سید نصرالله تقوی - محمد علی لواسانی - ابوالحسن طهرانی) صادر شده و مدرس بعنوان سرپرست علمی مدرسه حاشیه آن را گواهی نموده برای نشان دادن خط و امضای او چاپ میکنیم .

۱- متن قرارداد در ج - ۱ - انجمن تاریخ انتشار یافته است .

۲- چگونگی مهاجرت آزادیخواهان و خدمات و کارهای حکومت

موقتی در بیوگرافی رضاقلیخان نظام‌السلطنه (دوره دوم رهبران مشروطه)

چاپ شده است .

جناب آقا شیخ علی صغری ولد مرحوم ملا نور محمد خراسانی موجب و تقاضاً خود در دادگاه

کتابخانه آقا شیخ علی صغری
۲۴۲

که تسلیم فرموده رسیده که مهری و دو ضمیمه شده که بشرط مقر در روز مدبر که و علاطه ایست

دلیل حریب و عوت مخصوص در محل سلسل است ممثله که مرکب از آقا امضا شدن کادری حاضریه و بر روی آن

کتابها الاصلی مینویسند معقول

کتابخانه آقا شیخ علی صغری
۱۳۰۴
کتابخانه آقا شیخ علی صغری

لدانشار الیه است ممثله تکالیف تحصیلی درین ترتیب ذیل مکلف فرموده اند که شار الیه برادر خود را

تغییب کفایه تغیب فیه تغیب معقول

امتحان در آورده مراتب ترقی خود را در حفظ تکالیف فرموده فوق در دادگاه

امروزه و اظهار دارد تاریخ شانزدهم شهریور ۱۳۴۶

تصدیق مدرسه عالی سپهسالار با گواهی و امضای مدرس

نامه انیس الدوله

انیس الدوله (فاطمه خانم) همسر مقدم ناصرالدین شاه از يك خانواده روحانی و اصلاً اهل کن بود و پس از مرگ مهد علیا مادر ناصرالدین شاه، بانوی بزرگ حرمسرای سلطنتی محسوب می گردید، او بانویی نیک اندیش بود، از درماندگان دستگیری می کرد و بواسطه بذل و بخشش غالباً تنگدست و مقروض می زیست، اینک نامه پی از انیس الدوله که در حدود سال ۱۲۹۳ قمری با خط خود در باره عسرت زندگی به ناصرالدین شاه نوشته است.

قربان حضور مبارکت شوم - از سه هزار تومان تنخواه انعام کمینه که حواله وکیل الملک (۱) حاکم کرمان بود يك هزار تومان باقی مانده است. وکیل کرمان به اطلاع جناب مشیرالدوله (۲) قرار داده بود از قسط شهر رمضان بدهند حال که قسط آورده اند وکیل الملک هم تنخواه کمینه را فرستاده است و لیکن از میرزا سیدعلی وکیل کرمان (۳) مطالبه شد میگوید: قبله عالم هر تنخواهی که برای قسط و برای شما و دیگران آورده بودند همه را ضبط فرموده اند. قربانت شوم مال سایرین را ضبط فرموده اید البته اینطور صلاح دانسته اید اما يك هزار تومان کمینه را چرا ضبط فرمودند (۴) الحال نهایت دست تنگی را دارم، قرض است، سر زمستان است. مخارج لازمه جای خود دارد. ارباب طلب هم تنخواه طلبشان را می خواهند، استدعا دارم به جناب مشیرالدوله بفرمائید يك هزار تومان کمینه را بدهد و جزو ضبط شده ها نباشد دیگر بهر نحوی (۴)

صلاح بدانید تنخواه را امروز بکمینه برسانید . لازم است .

ناصرالدین شاه در بالای نامه انیس الدوله نوشته است :
جناب مشیر الدوله هزار تومان از تنخواه کرمان انیس الدوله که ما نداست
بگوئید زود برسانند اما قسطی که آوردند دخیلی به تنخواه انیس الدوله
ندارد، تنخواه انیس الدوله را خودشان باید علاوه بر قسط بدهند .

www.KetabFarsi.com

۱- مرتضی قلیخان وکیل الملک کرمانی فرزند محمد اسمعیل خان
وکیل الملک .

۲- میرزا حسینخان سپهسالار (صدراعظم وقت) .

۳- تا پیش از عصر مشروطه فرمانداران شهرستانهای بزرگ برای

سرعت پیشرفت کارشان در طهران دفتر کار و نماینده تامالاختیار داشتند و

نماینده هر فرمانداری را وکیل آن فرماندار می گفتند ،

۴- در متن «سہوی»

صارم الدوله



اکبر مسعود صارم الدوله فرزند
ظل السلطان یکی از رجال دیرینه
سال و از نیکمردان کشور ما است
که در سالخوردگی فکری جوان
دارد و ضرورت تحولات اجتماعی
را بخوبی درک می کند و اندیشه اش
با پیشرفت های زمان پیش رفته است،
او در پنجاه و چند سال پیش مدتی

وزیر دارایی و چندی وزیر خارجه بود و سپس استاندار غرب شد ،
در چهل و سه سال پیش نیز استاندار فارس بود ، او با توجه به امکانات
زمان ، در خدمات خود با شایستگی انجام وظیفه کرد و چون
از تمکن شخصی و ثروت موروثی برخوردار بود از خزانه دولت
حقوقی دریافت نمود و بلکه مصارف گوناگون مأموریت های خود را نیز
شخصاً می پرداخت .

صارم الدوله پنجاه سال است که پیشگام کارهای خیر در اصفهان
میباشد . نخستین دبیرستان ملی اصفهان در چهل و پنج سال پیش با همت
او بنام «دبیرستان صارمیه» گشوده شد ، وی چندین دبستان با هزینه خود
بنیاد نهاد و در پیشرفت کار سازمان های نیکوکاری و خیریه اصفهان
پیوسته پیشگام بوده و همیشه رقم اول کمک را او پرداخته است .

در سال ۱۳۴۴ قریب يك ملیون متر زمین در اطراف اصفهان برای یگان
در اختیار سازمان ذوب آهن گذاشت ، تازگی هم هزینه احداث یکی از
دبستانهای یادبود را تأمین کرد .

صارم الدوله سه سال پیش کتابخانه نفیس خود را که کتابهای خطی
و گرانبها در برداشت و بسیار ارزشمند بود به کتابخانه ملی اصفهان
واگذار نمود و با این بخشش خود کتابخانه اصفهان را غنی ساخت .

صارم الدوله بجز کمکهای مؤثر اجتماعی که در پنجاه سال شهر
اصفهان را مدیون نیک اندیشیهای خود ساخته ، در حل دشواریهای کار
مردم اصفهان و کمک بدرماندگان و تأمین هزینه تحصیل محصلان با استعداد
و بی بضاعت شهر خود همواره کوشا بوده و همیشه حاجتمندان را با
گشاده رویی پذیراشده و چون کار نیک را محض نیکی و رضایت وجدان
و خشنودی خداوند انجام میدهد ، پیوسته از خود نمائی و تظاهر دوری
جسته است ولی بی تردید نام خود را در تاریخ اجتماعی اصفهان جاویدان
ساخته است.



دکتر اقبال مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران و
باقر پهرنیا استنادار خراسان و نایب التولیه آستان قدس رضوی در حال
نیایش در آستان مقدس حضرت رضا

نامه سردار اسعد

نامه اسفندیارخان و علیقلی خان بختیاری (سردار اسعد)
فرزندان حسینقلیخان ایلخانی به اتابک (سال ۱۳۰۸ ق)
تقاضای خریداری چهار روستای خالصه در چهارمحال .

فهرست عرض و استدعای چاکران اسفندیار و علیقلی بختیاری است
این خانه زادان دولت جاوید مدت که از تصدق خاکپای مهر اعتلای
اعلیحضرت اقدس صاحبقرانی روحنا فداه باید معیشت و گذران نمایند
ناچار وسعت معاش خود را از اولیای دولت علیه باید مستدعی شوند.
جهت خرابی املاک فدویان که در حضور مبارک حضرت اجل اشرف
اعظم روحی فداه معلوم است (۲) پس از آنهم بواسطه عدم استطاعت نتوانستیم
در آبادی آنجا هم اوقات صرف نمائیم، دیگر اینکه چهارده خالصه
در میان املاک چاکران واقع شده و به تیول این چاکران سالها است
مرحمت شده و بواسطه خرابی که دارد اصل مالیات بعمل نمی آید، در
چندی قبل مستدعی شدیم که این دهات خالصه را باین چاکران بملکیت
از دیوان همایون اعلی مرحمت شود که در آبادی آنجا سعی و اهتمام
نموده که از توجه اولیای دولت قاهره دهات چاکران آباد و هم موجب
از محل خودمان تمام عاید شود، (۳) مقرر فرمودند حضرت اشرف والا
ظل السلطان دامت شوکته در این باب باید تصدیق فرمایند، با اینکه این
دهات در جزو چهارمحال و خارج از حیطة حکمرانی ایشان است
خدمتشان عرض کردیم، فرمودند مبلغ چهارصد تومان برای گرفتن تصدیق

خدمت حضرت والا پیشکش کرده تا تصدیق بدهند. از آنجا که این فقره خیلی واضح است و در دفترخانه مبارکه ثبت تیولات چاکران را دارند عرض و استدعا می‌نمائیم که این مبلغ را بعلاوه پانصد اشرفی تقدیم خاکپای جواهر آسای مبارک می‌نماید که این دهات که تیولی چاکران است بملکیت باین خانه زادان دولت مرحمت شود و البته اگر تصدیق حضرت والا لازم است آن مبلغ را پیشکش داده تصدیق بگیریم.
الامر الاشرف الاعلی مطاع - پشت کاغذ مهر - اسفندیار - علیقلی .

-
- ۱- لقب سردار اسعد در آغار از آن اسفندیارخان بود، پس از آنکه او در ۱۳۲۱ ق در گذشت لقب سردار اسعد به علیقلی خان داده شد.
 - ۲- اشاره بگرفتاری و زندانی بودن آنان از سال ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۵ ق در اصفهان است .
 - ۳- در تاریخ تحریر نامه، اسفندیارخان، ایلخانی بختیاری و سردار اسعد فرمانده سواران رکابی بختیاری وابسته به کشیکخانه سلطنتی در طهران بوده است.

سندی از چهل سال پیش

نامه‌پی است که شهردار طهران (۱) در پنجم فروردین ۱۳۱۰ به حسین شکوه (شکوه الملك) رئیس دفتر مخصوص دربارۀ مداخله مرحوم آیت‌الله کاشانی در کار نانوائی‌های طهران نوشته است .

۵- فروردین ۱۳۱۰ - دوست محترم عزیزم - در ضمن جواب رسمی که در مقابل ابلاغیه شماره ۱۰۹۵۱ عرض شده مقتضی ندانست علت اصلی عریضه آقای آقا سید ابوالقاسم کاشانی و مغرضانه بودن اظهارات مشارالیه را علاوه نماید و لکن بطور خصوصی زحمت میدهد که آقای کاشانی از چندی باین طرف نسبت بخشکه پزها و غیرهم که همه روزه به تشبثاتی میخواستند از بردن جنس انبار دولت طفره بزنند توصیه‌ها نموده مرجعیت و مدخلیتی در امور خبازخانه برای خود قائل شده بود و از طرفی بلدییه هم برای توازن مصرف گندم دولتی نمیتوانست بتقاضاهای غیرقانونی ایشان ترتیب اثر بدهد و ایشان با اینکه همه روزه یکی دو فقره مراسلات توصیه و غیره در امور مربوط به خباز می نوشتند حتی يك مرتبه هم در خصوص خوبی یا بدی نان یا قیمت آن چیزی به بلدییه نوشته و همینکه از قبول مداخلاتی که مایل بودند در امور خبازی داشته باشند یأس حاصل نموده مبادرت بعرض عریضه مزبوره کرده‌اند ، برای مزید استحضار يك فقره مراسله ایشان را که خودشان هم تصدیق بر تکرار امثال آن کرده‌اند عیناً ارسال و متمنی است پس از مطالعه اعاده فرمائید .

۱- گویا در ۱۳۱۰ میرزا قاسمخان صوراسرافیل شهردار بوده است یا کریم آقا بوذرجمهری و دانسته نشد امضای نامه از کدام یکی است .

گروه بندی مالکان

در دوره‌های پیشین مجلس

این جستار چون نمایشگر گروه بندی مالکان در دوره‌های پیشین مجلس شورای میباشد و بقلم يك نماينده نيكنام و فاضل ادوار پیشین مجلس (دکتر موسی جوان) نوشته شده از جلد چهارم کتاب مبانی حقوق تألیف نامبرده نقل می‌شود.

در مدت هشت سال نمایندگی خود در مجلس شورای ملی احساس می‌کردم که جریان کار در مجلس از روی نسق و ترتیب مخصوص انجام می‌گیرد و در این نسق و ترتیب نیز اشخاص معلوم و معینی از نمایندگان فعالیت دارند و این اشخاص اغلب از جرگه مالکان بزرگ و یا نماینده مالکان هستند و تصور نمی‌کردم در این امر نقشه‌یی در کار باشد و یا از مالکان مزبور در خارج مجلس جمعیتی تشکیل شده باشد و با آن جمعیت رابطه و تماس داشته باشند، اما نگارنده پس از مخالفت با پیمان سه جانبه در داخل و خارج مجلس شهرت پیدا کردم و در همه جشنواره‌ها و مجالس عمومی دعوت می‌شدم، بازیگران مجلس مایل شدند با نگارنده رابطه برقرار سازند. مرحوم محسن صدر الاشراف، که از زمان وزارت ایشان در دادگستری آشنائی و دوستی داشتم و مردی با فراست و عاقل و با متانت و صاحب چند قریه در محلات بود با نگارنده در یکی از اطاقهای مجلس بصحبت پرداخت و اظهار داشت که با بعضی از دوستان جلسه‌ئی دارند و تعداد آنان از بیست تجاوز نمی‌کند و در مسائل سیاسی

مشورت می نمایند اگر مایل باشم در این جمعیت وارد شوم.
پاسخ دادم ممکن است بعضی از افراد جمعیت با سلیقه من
ناجور باشند.

مرحوم صدرچند نفر را معرفی کرد از آن جمله دو نفر از وزیران
بود و هم چنین نام علی اصغر حکمت را بمیان آورد. من از قبول
عضویت معذرت خواستم و اظهار داشتم که به آقای حکمت عقیده ندارم،
صدر سکوت کرد و از هم جدا شدیم.

مالکان بزرگ آذربایجان و زنجان در منزل امیر نصرت
اسکندری تشکیل جلسه میدادند و تعداد آنان به بیست میرسید و در وزارت
کشور راجع به امور آذربایجان طرف شور و مشورت قرار می گرفتند.
بر طبق صلاحدید این مالکان بود که آوارگان آذربایجان را در زمستان
سال ۱۳۲۸ خورشیدی از ورود بشهرها جلوگیری کردند و بوسیله
کامیونهای دولتی بهانه شغل و کار از شهر طهران خارج نمودند و در
بیابان کرج رها ساختند و موجبات بدبختی و کشتار دسته جمعی آنان را
از بیماری و سرما فراهم آوردند.

امیر نصرت در سراب و اردبیل چند قریه را مالک بود و در این
املاک بیدرفتاری بازارغان شهرت داشت.

از سخنان اوست که میگفت: مدت یازده دوره در مجلس شورای
ملی سمت نمایندگی داشته‌ام و در این مدت يك كلمه پشت تریبون صحبت
نکرده‌ام.

مالکان بزرگ و فئودالهای طهران در جمعیت مرحوم احمد قوام وارد بودند و تعداد آنان به بیست میرسید ، مالکان عمده اراک در این جلسه حاضر می شدند

مالکان بزرگ فارس در خارج مجلس نیز با احمد قوام رابطه داشتند ، آقای مهدی نمازی و معدل در این امر فعالیت میکردند ، نمازی گرچه خود از بزرگان بود اما بعلت ثروت فراوان در اکثر فراکسیونهای مجلس و جمعیت های خارج از مجلس نفوذ داشت و این ثروت را از دوستی و ارتباط با آقای عباسقلی گلشائیان وزیر دارائی وقت از چهار قرارداد با وزارت دارائی بدست آورده بود « یکی قرارداد انحصار صدور کتیرای ایران بخارج کشور .

دوم - قرار داد فروش محصول تریاک ایران در خارج کشور .

سوم - قرارداد اجازه تبدیل قیمت حاصل از فروش تریاک

به چایی .

چهارم - قرارداد معافیت چایی های مزبور از حقوق گمرکی

. این بود شرح مختصر از جمعیت های متعدد فئودال

ها و مالکان بزرگ ایران در طهران و همین جمعیت ها بودند

که يك عده روحانیان درجه دوم را از شهرستانها انتخاب و

بمجلس شوری فرستادند و عده دیگر از مالکان بزرگ مانند جمال امامی

را بر سرکار آوردند و بومائل گوناگون از پیشرفت اصلاحات در شئون

اجتماعی و فرهنگی جلوگیری می کردند .

۱- در باره نکات بالا که دکتر موسی جوان نوشته است پیشنهادها و پرونده‌هایی در مجلس و وزارت دارایی و وزارت کشور و برخی دیگر از سازمانهای دولتی وجود دارد که بررسی آنها از لحاظ مطالعه در تاریخ اجتماعی ایران قبل از انقلاب سفید جالب می‌باشد، و انجمن تاریخ امیدوار است بتواند در این زمینه پژوهش‌هایی انجام دهد.

محاكمه تدین

سید محمد تدین بیرجندی مدیر مدرسه تدین و وکیل مجلس در دوره چهارم و پنجم و ششم از بیرجند و نایب رئیس و رئیس موقت در دوره پنجم و وزیر معارف (آموزش و پرورش) در کابینه مستوفی (۱۳۰۵)، در سال ۱۳۲۱ در کابینه سهیلی چندماه وزیر خواربار و سپس وزیر کشور شد و انتخابات دوره چهاردهم مجلس زیر نظر او انجام گردید و با توجه بمقتضیات و اوضاع غیر عادی آن زمان حتی الامکان حدود قانونی وظایف خود را مراعات کرد. و کمتر وزیر کشوری چون او از مداخله غیر قانونی در انتخابات پر هیز داشت، با اینحال در باره اعمال نفوذ او در زمان تصدی وزارت کشور نسبت با انتخابات دو حوزه (بندرعباس و بلوچستان) در سال ۱۳۲۳ در مجلس اعلام جرم شد، اعلام جرم دیگری هم نسبت بخریدسه هزار تن گندم که بدستور او در زمان تصدی وزارت خواربار انجام شده بود در مجلس مطرح گردید و بر حسب تصویب اکثریت مجلس رسیدگی بجرائم منتسب به تدین بموجب ماده ۷۵ قانون اساسی در صلاحیت دیوان کشور تشخیص گردید و پرونده بدیوان کشور فرستاده شد و دادستان دیوان کشور (علی هیئت) در اواخر سال ۱۳۲۵ بر علیه او کیفرخواست صادر کرد و تقاضای رسیدگی و مجازات او را از دیوان کشور نمود.

در آن هنگام دیوان کشور دارای هشت شعبه بود و بیشتر دادرسان شعب هشتگانه در دادرسی تدین شرکت داشتند.

اویسی و نپاوندی و کلای مدافع تدین و خودش ادعای نامه دادستان

را رد کرده و در برابر دادگاه با استدلال روشن دفاع نمودند، و استثنائی بودن موقع و محظورات سیاسی تدین وزیر کشور کابینه سهیلی را بازگو کردند.

این محاکمه بسیار جنجالی بود و با آنکه تدین بیش از کسانی که قبل از وی یا پس از وی شغل او را عهده دار بودند گناهکار نبود ولی بدطالعی و داشتن مخالفان سرسخت و مقتضای زمان او را بمحاکمه کشانید، در اردیبهشت ۱۳۲۶ دادرسی تدین با جنجالهای مطبوعات انجام شد. ریاست دیوان کشور را محمد شفیع جهانشاهی بعهده داشت و ۲۹ قاضی دیوان کشور در دادرسی او شرکت داشتند، سرانجام در ششم خرداد ۱۳۲۶ حکم دیوان کشور با اکثریت آراء در براءت تدین صادر گردید.

اینک خلاصه حکم مزبور.

«اتهامات منتسبه به آقای تدین که از طرف مجلس شورای ملی بدیوان کشور ارجاع شده امور ذیل است.

اول - دخالت در انتخابات بندرعباس.

دوم - دخالت در انتخابات بلوچستان.

سوم - دستور عقد پیمان با بزرگ ابراهیمی راجع بخریداری سه هزار تن غله در آذربایجان و مبادله آن با قند و شکر که از طرف دادستان کل در مورد انتخابات باستناد مواد ۴۴ قانون انتخابات و ماده ۸۳/۱۲۹/۹۲ و ماده الحاقی ۲۸ قانون مجازات عمومی و ماده ۳ قانون اعمال نفوذ و در مورد دستور عقد پیمان با بزرگ ابراهیمی راجع بمعامله غله باستناد مواد ۱۵۲ و ۱۵۳ قانون مجازات عمومی و ماده ۳۹ قانون

محاسبات عمومی با رعایت ماده ۲۸ قانون مجازات تقاضای تعیین مجازات گردیده است .

۱- راجع با انتخابات بندرعباس و بلوچستان از تلگرافات منتسب بمتهم مضبوط در پرونده امر اعمال نفوذ که محقق عنوان جرم و موضوع مواد مورد استناد باشد استفاده نمی شود بنابراین از جهات فوق الذکر متهم مزبور با اکثریت آراء مبری است .

۲- راجع به تبعید فرخزاد (۱) چون این عمل خود عنوان جرم مستقل و رسیدگی بآن از طرف مجلس شورای ملی بدیوان کشور ارجاع نشده و مطابق مستفاد از مواد ۵ و ۶ قانون محاکمه وزراء رسیدگی منحصرأ مقصور بمورد ارجاع است این امر و سایر اموری که ارجاع نشده از موضوع رسیدگی خارج و ماده يك الحاقیه باصول محاکمات جزائی در این مورد که تابع مقررات خاصی است لازم الرعایه نمی باشد .

نسبت بدستور عقد پیمان با بزرگ ابراهیمی با مراجعه بتحقیقات اولیه و تحقیقاتی که پس از ارجاع امر بدیوان کشور، بعمل آمده و توجه بدلائل مورد استناد طرفین بهیچوجه ارتکاب عملی از طرف آقای تدین که مشمول ماده ۱۵۳ قانون مجازات عمومی باشد در این مورد استفاده و استنباط نمیگردد و با سمتی که متهم در موقع دستور عقد پیمان داشته است (وزارت خواربار) عمل انتسابی تصرف غیر قانونی منظور در ماده ۱۵۲ قانون مجازات عمومی نیز نخواهد بود و عدم رعایت ماده ۳۹ قانون محاسبات عمومی و امورد دیگری هم که برای اثبات سوء نیت مورد استناد واقع شده سوء نیت او را محرز نمی نماید بنابراین از کلیه جرائم منتسبه با اکثریت

آراء تبرئه می شود .»

از ۲۹ دادرس دیوان کشور که در دادرسی شرکت داشتند ۲۱ نفرشان تدین را از همه اتهامات تبرئه کردند ، شهید زاده و شریعت زاده و اسمعیل سامنی و جوان در هر سه مورد بمحکومیت او نظر دادند، دکتر خوشبین و نقوی و اعتماد مقدم در مورد دخالت غیر قانونی در کار انتخابات او را در خور پیگرد دانستند، حشمت الله قضائی (رئیس شعبه هشتم) تدین را درباره پیمان خرید غله مجرم تشخیص داد ولی آشکار است که رأی اکثریت که بر برائت بود اعتبار قانونی داشت .

جنبجالی که در مطبوعات درباره محاکمه تدین برخاسته بود به - دادرسانی که عقیده بمحکومیت تدین داشتند جامه و جاهت ملی پوشانید، چند روزنامه هم برائت تدین را بر اساس عدالت دانستند و به اکثریت به دادرسان و به او تبریک گفتند.

روزنامه سیاسی مرد امروز در شماره دهم خرداد در يك کاریکاتور جلسه دادرسی را بصورت حمام های عمومی تصویر کرد و عکس تدین را در حالی که پس از شستشو و پاک شدن چرك اتهامات در سر حمام حوله بدوش افکنده و جهانشاهی رئیس دیوان کشور مشغول مشت و مال دادن او بود نشان میداد ، اما دادرسان دیوان کشور موافق و مخالف بدون توجه بجنبجالی که بر ضد تدین برخاسته بود عقیده و استنباط قضائی خود را اظهار داشتند و بخصوص اکثریت تحت تأثیر جنبجال مطبوعات و اتمسفر سیاسی روز قرار نگرفت .

۱- فرخزاد نراقی لیسانسیه حقوق در دوره ۱۴ برای انتخاب از

بلوچستان خود را کاندیدا کرد، اما دو رقیب داشت ، یکی مراد ریگی دیگری مهدی ارباب ، و قبل از تشکیل انجمن نظارت انتخابات فرماندار محل با موافقت و شاید هم بدستور وزارت کشور او را از بلوچستان بیرون کرد ، فرخزاد چندی بعد در راه بلوچستان بدست راهزنان کشته شد، کسان فرخزاد رقیبان انتخاباتی او را محرك قتل وی میدانستند .

نامه‌یی از عباس میرزا نایب السلطنه

فرزندان محمد میرزا و جهانگیر میرزا بدانند پول دیر رسید (۱) و اروسها (۲) بجان رسیدند لابد تفریق مجلس شد، میرزا ابوالحسن خان (۳) با ایلچی رفتند که پول را برسانند همینکه پول رسید شروط مصالحه مهر شده که نزد طرفین است تسلیم یکدیگر شده و مصالحه میگردد بی شك اینقدر شده که در ضمن این چند روزه بسیار کارها پس افتاد، باید حوصله کرد، کاغذی همراه محمد حسین سلطان کجوری بآن فرزندان نوشته‌ام اگر همراه خودش روسیه فرستادند حرفش معتبر است والا همراه آدم خود فرستادند و مزخرفات دیگر هم ضم کردند از درجه اعتبار ساقط است، دانسته باشید، باز از ایشان احضار محمد حسین سلطان را بخواهید والا در کار خود مردانه باشید که، یک مرد به نام به که صدزنده به ننگ، همینطور که مردم امسال شده‌اند. شما را بخدا سپردم صدقتان را درست کنید خدا میدهد یقین و بجوانی و غیرت شما رحم خواهد کرد، یقین، یقین (۴).

-
- ۱- این نامه در حدود نیمه سال ۱۲۴۳ ق هنگامی که طرح معاهده ترکمانچای تنظیم شده و روسها برای امضای آن منتظر دریافت پنج کرویر تومان بابت نصف زیانهای جنگی بودند، نوشته شده است.
 - ۲- روسها
 - ۳- وزیر خارجه زمان فتحعلی شاه.
 - ۴- از کتاب تاریخ احوال نایب السلطنه نوشته میرزا سعید انصاری.

تثاقر در صد و پنجاه سال پیش

از دید يك ايراني

میرزا مصطفی افشار منشی خسرو میرزا فرزند عباس میرزا نایب السلطنه که در سال ۱۲۴۴ ق همراه خسرو میرزا برای پوزشخواهی از کشته شدن گریبایدوف وزیر مختار روسیه در طهران به یایتخت روسیه رفته و نخستین بار در تآتر راه یافته، تآتر را چنین تعریف کرده است .

از جمله تآتر (طیاتر) بود که ترجمه آن تماشاخانه است که در کل ولایات حاکم نشین روسیه برای تفریح و تعیش اهل مملکت بنا کرده اند . در ایام توقف پترزبورگ (پترزبورغ) اکثر شبها نواب شاهزاده بتماشاخانه تشریف می بردند و هر تماشاخانه ذکوراً و اناثاً با نصد نفر عمده دارد که همه هنرمند صاحب سوادند و در فنون محاوره و رقص و غنا مهارت کامل دارند و برای تربیت آنها مدرسه مخصوصی بنا کرده اند و از اهل طرب و فصحا معلمها تعیین نموده دختران و پسران فقرا را بخرج دولت در آنجا تربیت می کنند . بعد از فراغ از تحصیل هر يك را بهر کاری که در آن مهارت داشته باشند مخصوص می نمایند ، مثلاً بعضی مکالمات نظم و نثر را تقریر می کنند ، برخی در مطایبات و مضحکات داخل بازی می شوند طایفه (بی) به غنا و سرود مشغول می شوند ، گروهی بیازی و رقص ارتکاب می نمایند ، جمعی ادای مراسم میل و محبت به اشاره و ایما می کنند ، قومی در شعبده و نیرنجات اوقات را مصروف میدارند و کذالك

سایر اموری که در تماشاخانه معمول می‌شود .

موجب عمل و اخراجات تماشاخانه کلاً از دولت است، در یکی از تماشاخانه‌های پترزبورغ میلاس نام دختری بود که در رقص و سرور از دیگران ممتاز بود سالی هزار و پانصد باچاقولو (۱) موجب داشت و باین نسبت سایر عمل و غالباً هر یک از عمل خواه مرد باشد یا زن در هر شبی پنج بار جامه و زیور مرصع عوض می‌کنند و هر یک از جامه و زیور هر یک فاخرتر و بازینت‌تر از جامه متشخصین مردان و زنان مملکت روسیه است « (۲) .

۱- سکه طلا که در دوران فتحعلی‌شاه در عثمانی و آذربایجان ایران رواج داشت .

۲- از کتاب سفرنامه خسرو میرزا .

روضه خوانی در مجلس شورای ملی

پیشنهاد اداره مباشرت در ۸ مرداد ۱۳۰۶ .

نظر باینکه در سنوات گذشته اقامه عزاداری و سوگواری حضرت
خامس آل عبا علیه الصلوة والسلام در سه روز آخر صفر در مجلس شورای
ملی برقرار میگردد و محل مخصوص برای مخارج آن خارج بودجه
منظور بوده و در هذمه السنه در آن محل بقدر ضرورت وجهی موجود نیست و
باعلاقمندی شدیدی که آقایان نمایندگان عظام به اجراء مراسم عزاداری
در سه روزه اول صفر دارند اداره مباشرت مجلس بقید فوریت ماده واحده
ذیل را پیشنهاد نموده تصویب آن را استدعا دارد.

«ماده واحده- مجلس شورای ملی به اداره مباشرت اجازه و اعتبار میدهد
که برای اقامه عزاداری حضرت خامس آل عبا علیه الصلوة والسلام بحدود
معمول سنه ماضیه ۱۳۰۵ در سه روزه ماه صفر هذمه السنه ۱۳۰۶ اجراء
وظیفه نموده بعد از وضع محل مخصوص که در هذمه السنه موجود است
و خواهد بود مبلغ دوهزار و پانصد تومان از وزارت مالیه علاوه بر بودجه
مصوب به مجلس دریافت دارد .

کمیسیون محاسبات بودجه پیشنهاد اداره مباشرت را نسبت به
مخارج روضه خوانی تحت دقت و مطالعه در آورده و کابیه مخارج لازمه
آن را اعم از آنچه وجه موجودی به اسم محل مخصوص در اداره مباشرت
موجود است و غیر آن بمبلغ يك هزار و هفتصد و پنجاه تومان تصویب
می نماید- ماده واحده با ۷۴ رأی از ۸۹ رأی تصویب شد.

فهرست مطالب

صفحه ۱	
۱۴ »	۱ - دادنامه شاه طهماسب
۱۷ »	۲ - نامه حکیم الملک
۲۱ »	۳ - از اسناد مشروطه
۲۴ »	۴ - مظفرالدین شاه و پرفسور براون
۲۷ »	۵ - قانون معادن
۳۲ »	۶ - سران حکومت موقتی
۳۵ »	۷ - نامه انیس الدوله
۳۷ »	۸ - صارم الدوله
۳۸ »	۹ - عکس دیدنی
۴۱ »	۱۰ - نامه سردار اسعد
۴۳ »	۱۱ - سندی از چهل سال پیش
۴۷ »	۱۲ - گروه بندی مالکان
۵۲ »	۱۳ - محاکمه تدین
۵۳ »	۱۴ - نامه‌یی از عباس میرزا نایب السلطنه
۵۵ »	۱۵ - تئاتر در صد و پنجاه سال پیش
	۱۶ روضه خوانی در مجلس

پایان - خردادماه ۱۳۵۰

www.KetabFarsi.com

جای انجمن

خیابان روزولت کوچه شیمی - شماره ۲۰

جای پنخش

کتابفروشی سخن - خیابان نادری

۳۰ ریال

شماره ثبت ۲۹۵
۱۳۵۰/۳/۱۵